

بخش یازدهم

# ابن خنری

سید مهدی حسینی

یادداشت‌هایی درباره طنز خوانی و طنزنویسی

## درازی قد

ای خواجه درازیت رسیده‌ست به جایی  
کز اهل سماوات به گوش تو رسد صوت  
گر عمر تو چون قد تو بودی به درازی  
تو زنده بماندی و بمردی ملک الموت (انوری ابیوردی)

## قسمت کردن

وحشی و برادرش چو خلوت کردند  
در ملک سخن، ترک خصومت کردند  
هر شعر که در کهنه کتابی دیدند  
بردند و برادرانه قسمت کردند (غضنفری کلجاری)

دور و دور و دور شه ببین

امیر بهادر شه ببین

چادور چاقچورش کنین

از شهر بیرونش کنین

نمونه‌ای دیگر از هجو:

## هجو استادانه

خاقانیا! اگر چه سخن نیک دنیا

یک نکته گویمت بشنو رایگانیا

هجو کسی مکن که ز تو مه بود ز سال

شاید تو را پدر بود و تو ندانیا! (ابوالعلائی گنجوی)

هجو در ادبیات فارسی تقسیم‌بندی‌های متفاوتی دارد.

از جمله دکتر زرین کوب سه نوع هجو را نام می‌برد.

۱. هجو از نوع تهمت، آلوده به دشنام و غالبا با ذکر هرزگی‌های جنسی.

۲. هجو از نوع کنایه و متلک‌های گزنده و مضحک که شخصیت فرد را هدف می‌گیرد.

۳. هجو از نوع مضمون‌بندی که در نزد عامه، نوعی سرگرمی به شمار می‌رود.

هر چند «هجو» هدفی شخصی و تخریب‌گرانه را دنبال می‌کند، اما برخی هجوها نتایج سیاسی و اجتماعی خاصی را دنبال می‌کنند. از جمله «شهر آشوب»‌ها که از فروغ هجو بوده و در هجو شهر و مردم آن سروده می‌شده است. مانند «رباعی مجیرالدین بیلقانی» در هجو اصفهان:

گفتم ز صفاهان مرد جان خیزد

لعلی است مروت، که از آن کان خیزد

کی دانستم که مردمش کوراند

با آن همه سرمه، کز صفاهان خیزد

و همین رباعی بود که اصفهانیان را بر خاقانی، استاد مجیرالدین خشمگین کرد.

از دیگر شهرآشوب‌ها می‌توان به هجویه «فتوحی مروزی» اشاره کرد که برای شهر بلخ سرود و به انوری نسبت داده شد!

خاقانی هم هجویه‌ای در مذمت شهر ری و آب و هوای آن دارد. اما از مردم آن تجلیل کرده است تا شعر او باعث فتنه و آشوب نگردد.

در تقسیم‌بندی دیگر، «هجویه‌ها» به دو نوع مستقیم و غیر مستقیم برشمرده می‌شود.

هجو مستقیم، همان هجو شخصی است و هجو غیرمستقیم - که «نزاقت» هم نامیده می‌شود - از غرض‌های فردی فراتر می‌رود و جنبه‌های سیاسی اجتماعی به خود می‌گیرد. در ادبیات فارسی بهترین نمونه هجوهای غیرمستقیم را بعد از دوران مشروطیت می‌توان یافت.

هجو غیرمستقیم تأثیر بیش‌تری نسبت به هجو مستقیم و شخصی دارد؛ چون کمتر دشنام می‌دهد، مضمونی مؤثر دارد.

هجو عامیانه، که از دل هجو غیر مستقیم برآمده، نمونه‌ای از ادبیات عامیانه است که در دوره مشروطه باب شده بود.

به‌عنوان مثال، در زمان مظفر الدین شاه این هجویه زیانزد شده بود:

برگ چغندر اومده

آبجی مظفر اومده